

الگوی استخراج نظام مسائل آموزش و پرورش کشور مبتنی بر بیانات حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی

سید مهدی سید طباطبایی *

سینا فریدونی **

پذیرش نهایی: ۹۶/۰۳/۰۳

دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۰۵

چکیده

اولین گام در راستای تحول بنیادین و کنار گذاشتن نظام کهنه و تقلیدی نهاد آموزش و پرورش در نظام جمهوری اسلامی ایران، شناخت دقیق از مسائل پیش روی آموزش و پرورش کشور است؛ هدف این پژوهش ارائه الگویی نظام‌مند به منظور استخراج نظام مسائل انقلاب اسلامی مبتنی بر بیانات رهبر معظم انقلاب است؛ بدین منظور سعی شد تمام سخنرانیهای مرتبط با حوزه آموزش و پرورش معظم له مطالعه و فیش‌برداری، و الگو با روش دلالت‌پژوهی استخراج شود. در پایان مشخص شد که الگوی مورد نظر مبتنی بر دو رکن الگوهای توصیفی و الگوهای هنجاری نظام مسائل آموزش و پرورش تشریح شده است.
کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش، الگوی استخراج نظام مسائل، امام خامنه‌ای، دلالت‌پژوهی.

* دانشجوی دکتری مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی. دانشگاه امام صادق(ع). پژوهشگر مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق(ع)
smstabatabaei@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی. دانشگاه امام صادق(ع). پژوهشگر مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق(ع)
sina.fereydooni@gmail.com

مقدمه

کار علمی و تلاش علمی امروز در کشور و در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های ما تلاش زنده و موفق و مورد تحسینی است؛ منتها همه باید توجه داشته باشند که علم، مقدمه عمل است. علم نافع، عبارت است از آن علمی که به کار کشور بیاید و مفید برای حل مشکلات کشور باشد. صرف اینکه فرض کنید مقاله‌مان در پایگاه‌های آی اس آی و امثال آن در دنیا منتشر می‌شود یا حتی مرجع قرار می‌گیرد، این یک تمجید علمی هست؛ اما مطلوب نهایی نیست، کار علمی باید ناظر به نیازهای کشور باشد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۳).

به نظر می‌رسد یکی از استلزامات تحقق این فرمایش راهبردی مقام معظم رهبری، استخراج مسائل انقلاب اسلامی است که با در اختیار قرار دادن آن اطلاعات به پژوهشگران بتوان گامی به سمت علم نافع تمدن ساز برداشت.

ما باید تحقیق را... با توجه به نیازهای آن، هدفدار کنیم؛ یعنی ببینیم واقعاً کشور به چه احتیاج دارد و پژوهشها را در جهت نیازهای کشور قرار بدهیم... و این لازمه‌اش این است که ما بانک اطلاعات و مرکزی داشته باشیم. همه بتوانند بدانند چه لازم است، چه انجام شده است و چه لازم است برای تکمیل یک پژوهش تا بتواند این قطعات گوناگون در کنار هم جمع بشود (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۵).

باید بانک اطلاعات وجود داشته باشد. ما داشته‌های خودمان را بدانیم، نداشته‌ها را هم بدانیم؛ چیزهایی که مورد نیاز ماست. بخصوص بعضی از بخشهای دولتی که اینجا از آنها اسم آوردند - مثل نفت، مثل دفاع، مثل کشاورزی - اینها نیازهای بسیار زیادی دارند که اگر چنانچه این نیازها برای تشکیل دهندگان شرکتهای دانش‌بنیان معلوم بشود، کسانی که از لحاظ سرمایه‌گذاری علمی و سرمایه‌گذاری پولی آماده هستند، می‌توانند سراغ این نیازها بیایند و این نیازها را برطرف کنند. پس تشکیل بانک اطلاعات و در معرض گذاشتن اطلاعات لازم برای همه، چیز بسیار لازمی است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش‌بنیان، ۱۳۹۱).

همان‌طور که حضرت امام خامنه‌ای در فرمایش خود اشاره فرموده‌اند در همه بخشهای جمهوری اسلامی بویژه در بخشهای دولتی، نیازهای زیادی هست. پژوهشهای علمی باید به پاسخگویی به چنین نیازهایی ناظر باشد؛ لذا در مرحله اول باید بانک اطلاعاتی قابل اعتمادی از

نیازها و مسائل باشد و به پژوهشگران و اندیشمندان عرضه شود. هدف این پژوهش ارائه الگویی برای استخراج نظام مسائل آموزش و پرورش است.

متأسفانه آموزش و پرورش کشور - به دلایل مختلف - توانایی پاسخگویی به نیازهای جامعه را در راستای اهداف و آرمانهای بلند انقلاب اسلامی ندارد و در تربیت نیروی انسانی در تراز جمهوری اسلامی با مشکلات نظری و عملی فراوانی روبه‌روست. رهایی از کاستی‌ها و ناکارآمدیهای موجود و دستیابی به آموزش و پرورش پویا، موفق و اثربخش، نیازمند تحول عمیق و ریشه‌ای در این نهاد گسترده است (نوید ادهم، ۱۳۹۱: ۲۹۶).

پر واضح است که استخراج نظام مسائل هر حوزه‌ای از حوزه‌های خط‌مشی‌گذاری در جمهوری اسلامی به پژوهشهای گسترده کتابخانه‌ای و میدانی نیاز دارد؛ لذا در این پژوهش سعی شده است که الگویی اسلامی، بومی و کاربردی برای استخراج نظام مسائل آموزش و پرورش استخراج شود تا ان شاء الله پژوهشهای آینده بر روی چنین سنگ بنایی چیده شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران برای اصلاح و یا تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش، فعالیتهای پراکنده و متعددی به همت مسئولان فرهنگی کشور و یا توسط فرهنگیان علاقه‌مند و صاحب‌نظر به صورت خودجوش آغاز شد و ادامه پیدا کرد. پژوهشها، تألیفات و فعالیتهایی که در این عرصه انجام شده است به طور خلاصه معرفی می‌شود.

فعالیتهای تبلیغی، ترویجی و گردآوری زیادی در زمینه آموزش و پرورش از نگاه رهبری انجام شده است که نهادهای مختلف فرهنگی، آموزشی و سیاستگذار انجام داده‌اند؛ به عنوان مثال فصل نهم منشور فرهنگی انقلاب اسلامی، مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با معلمان را گردآوری و تألیف کرده است (منشور فرهنگی انقلاب اسلامی (۱): علم و فناوری، ۱۳۸۹). به دلیل اینکه این گونه فعالیتهای صیغه گردآوری دارد و پژوهشی نیست از ذکر آنها خودداری، و تنها پژوهشهایی معرفی می‌شود که در حوزه استخراج نظر رهبری درباره آموزش و پرورش انجام شده است.

دانایی فرد و همکاران در پژوهشی تحت عنوان «فهم اولویتهای راهبردی تحول نظام آموزش و پرورش از دیدگاه امام خامنه‌ای» با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و مطالعه در مورد بیانات رهبری، عواملی همچون منابع انسانی تحول‌آفرین، فرهنگ اسلامی تعلیم و تربیت، محتوا و روش تربیتی، متولیان راهبردی را کلیدیترین مفاهیم خط‌مشی‌های نظام تعلیم و تربیت از دیدگاه رهبری

شناسایی کردند و در پایان به یک الگوی مفهومی رسیدند (دانایی فرد، الوانی و خانی، ۱۳۹۴). ضمن اقرار به اینکه این مقاله، قوی و قابل تقدیر است، باید گفت به دلیل روش تحلیل مضمون از انتقادات وارد بر روشهای تحقیق کیفی رنج می‌برد. بارزترین تفاوت این مقاله با پژوهش فوق علاوه بر تفاوت هدف جمع‌آوری داده - این است که در این مقاله در مرحله تحلیل داده‌ها سعی شده است دلالتها و الگوهای تحلیل نیز از خود بیانات استخراج شود.

در فصل دوازدهم کتاب «مبانی تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش مبتنی بر دیدگاه حضرت امام خمینی(ره)، مقام معظم رهبری و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت» به مبانی تحول در آموزش و پرورش از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته شده است. در این فصل بحثهایی همچون نقش معلم در آموزش و پرورش، آسیبهای نظام موجود، الزامات تحول در نظام آموزش و پرورش و نهادهای خط‌مشی گذار در آموزش و پرورش از نگاه رهبری بیان شده است (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۱). این پژوهش در این فصل فقط بیانات رهبری را گردآوری کرده است بدون اینکه تحلیل، و الگویی را از نظام فکری و منظومه فکری ایشان ارائه کند.

پژوهشگران با جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی و بررسی دقیق مجلات علمی - پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و کتابخانه ملی، پژوهش دیگری را پیدا نکردند که درباره بیانات رهبری در مورد اصلاح نظام آموزش و پرورش از نگاه ایشان انجام شده باشد. این پژوهش به دنبال این است که بر اساس منظومه فکری مقام معظم رهبری، الگوی نظام‌مندی برای سیاستگذاری نظام آموزش و پرورش و اصلاح و ارتقای آن ارائه کند. لازم به ذکر است که در این پژوهش تمام بیانات مقام معظم رهبری مطالعه شده و از جستجوی کلیدواژه‌ای و جدا کردن بندها از متن اصلی پرهیز شده است تا بتوان به‌صورت دقیق‌تری به منظومه فکری ایشان در مورد نظام آموزش و پرورش دست یافت. نوآوری این پژوهش از دو جهت قابل ذکر است:

۱ - نوآوری موضوعی: دید منطقی، نظام‌مند، جامع و مسئله‌محور، نسبت به آموزش و پرورش در آثار رهبر معظم انقلاب و تجزیه و تحلیل دلالت‌های بیانات ایشان در آثار گذشته کمتر به آن پرداخته، و بیشتر به گردآوری و دسته‌بندی بیانات ایشان اکتفا شده است. در مقابل، این پژوهش به دنبال استخراج الگویی نظام‌مند و مسئله‌محور از تمام بیانات در دسترس رهبر معظم انقلاب است به گونه‌ای که دلالت‌های منطقی آن واضح و آشکار باشد.

۲ - نوآوری روشی: در حوزه روش نیز، این پژوهش روش دلالت پژوهش را انتخاب کرده

است که علاوه بر جدید بودن آن، نه فقط در موضوع آموزش و پرورش از نگاه رهبری بلکه در حوزه‌های عمومی نیز هنوز پژوهشی با این روش منتشر نشده است.

بر این اساس که پژوهش به دنبال استخراج الگوی مفهومی اصلاح آموزش و پرورش از دیدگاه مقام معظم رهبری است، پیشینه پژوهش در دو محور «نظام مسائل و الگوهای کشف مسائل» و «آموزش و پرورش» قابل بحث است.

محور ابتدایی، موضوعی است که ذیلاً در مورد آن بحث خواهد شد. در مورد محور دوم باید گفت که از یکی از یافته‌های این پژوهش معنا و مفهوم آموزش و پرورش، و نسبت‌سنجی آن با مفاهیمی همچون تعلیم و تربیت، و هم‌چنین نسبت ساختاری آن با وزارتخانه متناظر، مدرسه و معلم است. به علاوه از آنجا که این موضوعات بر اساس آنچه در قسمت روش پژوهش بحث خواهد شد از پیش تعریف شده نبوده و چارچوب مشخصی اختیار نشده، بلکه سعی شده است که ادبیات آن از متن بیانات حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی استخراج شود. با توجه به این دو نکته، در قسمت ادبیات نظری از تبیین ادبیات نظری آموزش و پرورش صرف نظر شده است.

نظام مسائل و الگوهای کشف مسائل

لازم به ذکر است در این قسمت با توجه به جستجوی گسترده‌ای که پژوهشگران انجام دادند، پژوهشی تحت این عنوان یافت نشد و بر همین اساس توضیحات این قسمت بیشتر ناظر به ادبیات نظری پژوهش است.

در تعالیم اسلامی تأکید زیادی بر ضرورت نافع بودن علم وجود دارد. هر علم مفید برای جامعه اسلامی، علم دینی است (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۵ تا ۱۸). طبق این تعریف، ممکن است دانش فیزیک هسته‌ای، علم دینی باشد؛ اما صدها دانش فقه و فلسفه و تفسیر، علم دینی نباشد در صورتی که موضوعاتی را مطرح کند که هیچ دردی از جامعه اسلامی دوا نکند. طبق این نگاه، گام بعدی و جدی‌تر، این است که ما به سلسله مسئله‌های جامعه دینی توجه کنیم (خندان، ۱۳۹۱: ۱۶۴).

یکی از نقاط اصلی شروع هر علمی را می‌توان «مسائل» دانست. انسانها در زندگی مسائل مختلفی دارند. کسی که مسئله‌شناس نیست، نمی‌تواند بفهمد که کدام موضوع برای مردمانی که او در میان آنها زندگی می‌کند، ضروری و کدام غیر ضروری است. البته از آثار و نتایج می‌تواند تشخیص مفید از غیر مفید بدهد؛ ولی کشف ضرورت و اولویت در دسترس او نیست. اگر کسی یک رشته علمی را از حیث مسائل آن شناخت، می‌تواند اولویت‌بندی کند که کدام محتوا برای

مسائل امروز او باید مورد بررسی قرار گیرد و کدام یک نباید بررسی شود. به نظر می‌رسد برای حفظ «استقلال علمی» و «تحول در رشته‌های علوم انسانی»، بهترین مبدأ، مسائل و سؤالات هر رشته است نه مفاهیم و نظریات آن؛ بلکه مبدأ بهتر مسائل بومی آن رشته در میان مردمان هر سرزمین است؛ زیرا با شناخت مفاهیم و نظریات موجود، و حرکت بر اساس آنها در واقع در چارچوب از پیش تعیین شده‌ای در رشته و حوزه مورد بحث حرکت خواهیم کرد؛ در حالی که خود این مفاهیم و نظریات هم در پاسخ به یک مسئله یا مجموعه مسائلی به وجود آمده است. در مقابل، پرداختن به مسائل و ارتباط بین آنها، مزایای بسیاری دارد که از جمله مهمترین آنها، غیر از محدود نشدن در چارچوبهای از پیش تعیین شده است. این ابتکار عمل هم می‌تواند در «تشخیص» مسائل و هم در «حل مسائل» به پژوهشگر کمک شایانی کند.

ابتکار در تشخیص مسائل

کسی که مسئله را شناخت در میان هزاران محتوای تجربی و نظری، توان اولویت‌بندی محتوای مفید از غیر مفید را دارد. او می‌داند که مسئله امروز مردم او چیست و برای چه چیزی در پی محتوا می‌گردد. او تابع مسائل دیگران نیست و اگر برای مسئله‌ای بومی، محتوایی نیست به تولید محتوای علمی برای آن عرصه خواهد پرداخت. در واقع ابتکار عمل در دست کسی است که مسئله را بخوبی بشناسد.

ابتکار در حل مسائل

بسیاری از مسائل در طول زمان تغییر نمی‌کند؛ اما راه‌حلهای بهتری برای آن می‌شود ارائه کرد. این یکی از بهترین نتایج شناخت مسئله است که وقتی مسئله شناخته شد، ابتکار بیشتری در ارائه راه‌حل (ها) وجود خواهد داشت. مثال اختراع جارو برقی برای این مطلب، مثالی دقیق است. فرض کنید برق تازه اختراع شده است و شما می‌خواهید یک جارو برقی اختراع کنید؛ شما کدام یک را اختراع می‌کردید:

الف - وسیله‌ای برقی که همچون جاروی دستی، زباله‌ها را به یک سمت هدایت کند تا پس از اینکه جمع شد، آنها را با استفاده از وسیله دیگری جمع کنید.

ب - وسیله‌ای که زباله‌ها را از زمین جمع کند (جاروبرقی‌های امروزی).

اگر کسی با استفاده از راه‌حلهای موجود، ابتکار به خرج دهد، نهایتاً جارو برقی اولی را خواهد

ساخت در حالی که کسی که مسئله را می‌شناسد، مسئله را از راه‌های گوناگونی حل می‌کند. جاروی برقی‌ای که امروز از آن استفاده می‌کنید، ناشی از مسئله شناسی مخترع آن است. علاوه بر این مزایا، استفاده از نظام مسائل، نتایج و دستاوردهای سودمند و بعضاً منحصربه‌فردی را برای پژوهشگران به ارمغان خواهد آورد. شاید بتوان گفت، مهم‌ترین دستاورد حل مسئله، تولید «علم نافع» است؛ زیرا همان‌طور که در مقدمه بیان شد: «علم نافع عبارت است از آن علمی که به کار کشور بیاید و مفید برای حل مشکلات کشور باشد» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۳)؛ با این حال، اشاره به برخی دستاوردهای سودمند استخراج نظام مسائل خالی از لطف نیست.

انسجام علمی

نظام مسائل و سؤالات در میان نظریات متعدد، می‌تواند انسجامی منحصربه‌فرد به دانش و حوزه مطالعاتی بدهد. در واقع مسائل اساسی هر علمی، منشأ و ریشه آن علم است و همه نظریات، مفاهیم و موضوعات پیرامونی بر این ریشه تکیه دارد و از آن تغذیه می‌کند؛ پس با در نظر داشتن این نظام، امکان فهم منسجم از رشته فراهم خواهد شد.

هدف‌گذاری معین

زمانی که مسائل، محور پژوهش‌های اندیشمندان باشد، هدف آنان، حل همان مسئله است. وقتی راه‌حلی مناسب برای آن ارائه شد و پس از اینکه از نتیجه‌بخشی آن اطمینان به دست آمد، پژوهشگر به هدف خود رسیده و گرهی را گشوده است؛ بدین ترتیب وی گره دیگری را برای گشودن برمی‌گزیند. او دوباره هدف معین دیگری دارد؛ حل مسئله‌ای مشخص؛ در غیر این صورت، موضوعاتی برای پژوهش وجود دارد و چه‌بسا هیچ‌گاه پژوهش در یک موضوع تمام نشود؛ درحالی‌که غیر از اینکه هیچ گرهی را نیز باز نکرده، حتی شاید به گشودن هیچ گرهی نیز کمک نکرده باشد. اندیشمندی که شقوق هزارگانه هر موضوع را بدون اینکه بداند این علوم چه قدر گره‌گشا است، بررسی می‌کند، مصداق دیگری از زیانهای موضوع محوری است. این همان مطلبی است که بعضی از روش‌شناسان در بیان مزایای مسئله‌محوری در مقابل موضوع‌بندی گفته‌اند. «در فرایند پژوهش مسئله‌محور، امکان حاشیه‌پردازی و پراکنده‌کاری از بین می‌رود» (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۳۱). هرچند این اشکال به پژوهش‌های هدفمندی وارد نیست که در

تحقیقات پایه انجام می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

انتخاب یک روش علمی صحیح برای دستیابی به نتایج علمی و کاربردی در تحقیق، اهمیت زیادی دارد. روشن است که روش‌شناسی صحیح هر تحقیق، اصل و اساس آن را شکل می‌دهد که بدون توجه به آن، نتایج پژوهش برای محقق دستاوردی نخواهد داشت. بنابراین تلاش محقق در به‌کارگیری روش علمی و عقلایی صحیح برای دستیابی به نتایج مطلوب ضروری است (نوروزی، ۱۳۹۰: ۷۸).

روش تحقیق، مجموعه‌ای از قواعد، ابزارها و راه‌های معتبر (قابل اطمینان) و نظام‌یافته برای بررسی واقعیت‌ها، کشف مجهولات و دستیابی به راه‌حل مشکلات است. شناخت علمی از هر پدیده زمانی میسر خواهد شد که بر اساس مجموعه‌ای از شیوه‌ها و تدابیر علمی فراهم آید. در واقع شناخت، برآمده از اعتبار روشی است که برای دستیابی به شناخت انتخاب می‌شود (دانایی فرد، الوانی و آذر، ۱۳۸۸: ۱۰ تا ۲۴).

البته باید توجه کرد که روش‌های تحقیق بر فلسفه روش مبتنی است و هر فلسفه روشی، خود بر فلسفه مطلق یعنی هستی‌شناسی معرفت‌شناسی خاصی مبتنی است. بنابراین می‌توان گفت که هر مکتبی بر اساس مبادی فلسفه خود روش‌شناسی ارائه می‌کند؛ یا به عبارت دیگر: «روش در ارتباط مستقیم با عواملی نظیر موضوع معرفت، هدف معرفت و هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی‌ای است که معرفت‌شناسی آن شکل می‌گیرد» (پارسانیا، ۱۳۸۹: ۶۹).

این موضوع مورد تأیید بسیاری از پژوهشگران حوزه روش‌شناسی است. دانایی فرد در مقاله خود سعی کرده است مثالهایی برای ارتباط بین مکاتب فلسفی، روش و هدف معرفت را بیان کند.

جدول ۱: ارتباط بین مکتب، هدف پژوهش و روش‌شناسی

ردیف	مکتب (پارادایم)	هدف	روش‌شناسی
۱	اثبات‌گرایان	اندازه‌گیری نگرش افراد	پیمایش
۲	اثبات‌گرایان	اثر یک متغیر بر متغیرها	آزمایشی
۳	تفسیری	واکاوی تجربه‌های مشترک افراد برای ساخت نظریه	داده بنیاد
۴	تفسیری	مطالعه یک آفته	مطالعه موردی
۵	تفسیری	فرهنگ مشترک یک قوم	قوم‌نگاری
۶	تفسیری	فهم داستانهای هر فرد در مورد موضوعی خاص	روایتی
۷	تفسیری	جوهره تجربه خاصی توسط افراد	روایتی
۸	ترکیبی	واکاوی معانی‌ای که افراد به پدیده‌ها می‌دهند.	شبکه خزانه
۹	ترکیبی	بسته‌بندی اذهان افراد در باب موضوعی خاص	کیو (Q)

(اقتباس از: دانایی فرد، ۱۳۹۵: ۴۰ و ۴۱)

بسیار اتفاق می‌افتد که پژوهشگران و بویژه پژوهشگران علوم انسانی می‌خواهند برای مطالعه و پژوهش در موضوع محوری خود از آثار یکی از اندیشمندان دیگر، که به صورت تخصصی در زمینه رشته ایشان نظر نداده است، استفاده کنند و غنای پژوهش خود را افزایش دهند. این موضوع بویژه در وضع فعلی علوم انسانی در جمهوری اسلامی، بسیار به چشم می‌خورد؛ زیرا از یک سو علوم مدون و مرسوم دانشگاهی موجود، مبتنی بر فلسفه دیگری طبقه‌بندی و شکل گرفته، و روش‌شناسیهای مناسب آنها نیز منطبق بر همان فلسفه غلط استوار است. از سوی دیگر در سنت اسلامی خودمان از نعمت وجود اندیشمندان بزرگ و بی‌نظیری بهره‌مندیم که به دلیل جامعیت اسلام و اجتهاد مطلقشان قادر به نظریه‌پردازی در حوزه‌های مختلف علمی هستند؛ لکن متأسفانه این نظریه‌پردازیهای بسیار سودمند در طبقه‌بندی رایج و ادبیات فعلی رشته‌های علمی موجود جایی ندارد.

برای این بهره‌گیری چه روشی وجود دارد؟ برای مثال نهج‌البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای «تعامل حکومت و مردم» چه رهنمودی دارد یا حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه به‌عنوان اسلام‌شناسی بی‌نظیر، چه حرفی برای حکومتداری، خط‌مشی‌گذاری، آرامش روانی، روابط اجتماعی، و روابط بین‌الملل دارند؟

دانایی فرد در مقاله «روش‌شناسی مطالعات دلالت پژوهی در علوم انسانی و اجتماعی» سعی کرده است به این سؤالها پاسخ دهد. وی در توضیح روش دلالت پژوهی می‌گوید: «یکی از راهبردهای بسیار متداول، اقتباس و عاریه دانش یک رشته برای تدقیق، بهبود، یا بسط دانش رشته دیگر است. ... مآخذ این بهره‌گیریها می‌تواند آثار مکتوب و شفاهی اندیشمندان هر رشته علمی باشد. ... اندیشمندان هر رشته می‌توانند دلالت‌های اولیه‌ای را از این آثار برای رشته‌های تخصصی خود مشخص کنند. این دلالتها در مراحل نخست دانش پژوهی بین رشته‌ای بعضاً خام است و صرفاً توصیفی - تحلیلی خواهد بود؛ اما با تدقیق و گسترش این دلالتها پژوهشهای تجربی - میدانی به دانش محلی خاص هر رشته منجر خواهد شد (دانایی فرد، ۱۳۹۵: ۴۵).

اصولاً بخش عظیمی از نوآوری در رشته‌های علوم اجتماعی به دلیل برگیری افکار دیگر رشته‌هاست که تجلی پژوهشهای دلالت پژوهی است. ... جایگاه علمی این پژوهشها و همین‌طور پژوهشگران این نوع پژوهشها در مجامع علمی قابل توجه است و صف‌شکنان رشته‌ای را باید در این قبیل پژوهشها و از میان این قبیل پژوهشگران جست. از این‌رو اهمیت پژوهشهای دلالتی برای بسیاری از اندیشمندان واضح و مبرهن است. ... هر چه جامعه پژوهشهای دلالت پژوهی قویتر و تعداد پژوهشگران آنها بیشتر باشد، توسعه دانش در آن جامعه علمی بیشتر خواهد بود (دانایی فرد، ۱۳۹۵: ۴۸).

در پایان قسمت روش پژوهش باید به چرایی، چستی و چگونگی کاربست روش دلالت پژوهش در مقاله پیش‌رو اشاره شود که تلاش شده است این منظور مهم، طبق مراحل یازده گانه‌ای که در مقاله آمده است، توضیح داده شود:

۱ - تعیین مناسب بودن پژوهش دلالت پژوهی

علت غایی

هدف این پژوهش استفاده از آثار مکتوب رهبر معظم انقلاب به‌عنوان اندیشمندی اسلام‌شناس و زمانشناس در حوزه تخصصی آموزش و پرورش است؛ یعنی با ادبیات دلالت پژوهی، باید گفت اقتباس اندیشه‌های هر اندیشمند در حوزه تخصصی دیگر، دقیقاً همان هدفی است که روش‌شناسی دلالت پژوهی برای آن ایجاد شده است.

علت فاعلی

روش‌شناسی دلالت پژوهی برای آن دسته از پژوهشگران قابل اجراست که توانمندی

سازماندهی ذهنی و همین‌طور برکشیدن افکار را از دیگر رشته‌ها برای استفاده در رشته تخصصی خود دارند. بنابراین چنین افرادی در آن رشته صادراتی نیز احاطه خوبی دارند؛ زیرا برکشیدن افکار کلیدی از دیگر رشته‌ها برای اقتباس، ساده نیست که از عهده هر پژوهشگر مبتدی برآید. آشنایی پژوهشگر با شیوه‌های پژوهش کیفی به‌طور خاص و بعضاً کمی برای موفقیت در این روش‌شناسی ضروری است (دانایی فرد، ۱۳۹۵: ۵۲). در مورد این موضوع نیز باید اشاره کرد که پژوهشگران مقاله، سابقه فعالیت‌های مطالعاتی، آموزشی و پژوهشی چندساله‌ای در حوزه اندیشه رفیع رهبر معظم انقلاب دارند و با توجه به رشته دانشگاهی و تجربه پژوهش‌های مختلف با انواع روش‌های پژوهش کیفی نیز آشنا هستند.

۲- تعیین مآخذ مشخص کردن دلالت‌های پرداختن به مسئله پژوهشی

اینکه پژوهشگران چگونه تصمیم گرفتند که از اندیشه حضرت امام خامنه‌ای استقراض کنند به چندین عامل بستگی دارد:

الف - غنی بودن اندیشه حضرت امام خامنه‌ای، هم از لحاظ مبانی اسلامی که ایشان در بسیاری از علوم حوزوی مجتهد علی‌الاطلاق هستند؛ هم از لحاظ بومی بودن پژوهش که ایشان به دلیل سمتی که در آن قرار دارند، بیشترین اشراف و اطلاع را از وضعیت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران دارند و هم از لحاظ میزان ورود به بحث که از ابتدای زعامت امت، حدود هفتاد دیدار با اقشار مختلف مرتبط با آموزش و پرورش (از جمله، دانش‌آموزان، معلمان و مسئولان آموزش و پرورش) داشته‌اند.

ب - بر اساس مبانی ولایت فقیه، ما ایشان را نایب بر حق امام زمان (عج) و امام امت می‌دانیم. بر همین اساس وظیفه راهبری امت اسلامی به سمت نقطه مطلوب بر دوش ایشان است و همه آحاد امت وظیفه دارند تا با فهم درست و پیروی دقیق، ایشان را در تحقق این امر یاری کنند.

ج - توانمندی و ظرفیت پژوهشگران در موضوع پژوهش که در بند قبلی توضیح داده شد.

۳- تعیین فرایندی برای واکاوی موضوع منتخب

با توجه به بندهای قبلی در این پژوهش نیاز است از اساسی‌ترین نظریات حضرت امام خامنه‌ای استفاده کنیم؛ لکن خود ایشان فرموده‌اند که: «من آنچه در سخنرانیها بیان می‌کنم، لب نظراتم است. اساسی‌ترین نظراتم همانهایی است که شما در سخنرانیها از من می‌شنوید. هیچ نظری درباره مسائل جاری کشور و مسائل اسلام و مسلمین و مسائل اجتماعی وجود ندارد که من آن را

درگوشی به کسی بگویم و نشود آن را درعلن گفت. نظرات من، نظراتی شفاف و روشن است که درخطبه نماز جمعه و در سخنرانی با گروه‌های مختلف، شما اینها را می‌شنوید» (امام خامنه‌ای، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷).

در این پژوهش تمامی بیانات ایشان در حوزه آموزش و پرورش مورد مطالعه و مذاقه قرار گرفت و بالغ بر ۷۵ مسئله در حوزه آموزش و پرورش شناسایی، و مسائل برای تحلیل بهتر در چند حوزه طبقه‌بندی، و پژوهش آماده ورود به مراحل بعدی دلالت‌پژوهی شد.

۴ - تعیین چارچوب مفهومی موضوع دلالت‌پژوهی

در مورد تعیین یا عدم تعیین چارچوب مفهومی دلالت‌پژوهی، رویکردهای مختلفی هست؛ از جمله: رویکرد نظام‌مند، رویکرد برایشی، رویکرد لنز نظری، رویکرد تلفیقی و رویکرد تقدم شناسایی سهم‌یاریها و افکار بر چارچوب مفهومی (دانایی فرد، ۱۳۹۵: ۵۶).

در این مقاله با توجه به غنای نظری و اشراف عملی قرض دهنده (امام خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی) از یک سو و وارداتی بودن مبانی نظری موجود آموزش و پرورش از سوی دیگر از رویکرد تقدم شناسایی سهم‌یاریها و افکار بر چارچوب مفهومی استفاده شد. این رویکرد، یعنی پژوهشگر پس از شناسایی افکار کلیدی و اطمینان از ظرفیت آنها مقصد دلالتها را مشخص می‌کند. در این حالت چارچوب مفهومی از پیش تعیین شده وجود ندارد ولی در مرحله بعد از شناسایی افکار کلیدی ممکن است ظهور کند. در عین حال جامعیت چارچوب مفهومی به غنی بودن کمی و کیفی افکار کلیدی مشخص شده بستگی دارد (دانایی فرد، ۱۳۹۵: ۵۶).

بر همین اساس، این پژوهش علاوه بر این دلایل برای تأکید بر عدم تحمیل هرگونه چارچوب و مبنایی خارج از منظومه فکری حضرت امام خامنه‌ای سعی کرده است با استنتاج متن اصلی بیانات (و نه صرفاً برخی مفاهیم) چارچوب مفهومی محوری پژوهش را نیز از خود بیانات کشف کند.

۵ - نمونه گیری نظری ابژه دلالت‌پژوهی

در این مرحله با توجه به اینکه پژوهشی جامع و مانع مدنظر پژوهشگران بوده است، همه بیانات حضرت امام خامنه‌ای مورد توجه قرار گرفت و نه صرفاً بیانات در تاریخ یا با مخاطب خاصی. لازم به ذکر است که مهمترین نقد این روش صرف وقت و هزینه بسیار زیاد آن است؛ ولی اهمیت هدف، باعث شده است که پژوهشگران آن را انتخاب کنند.

۶- مشخص کردن سهم یاریهای ابژه دلالت پژوهی

در جستجو و مشخص کردن سهم یاریها به جستجوی کلیدواژه‌ای در بیانات مدنظر اکتفا نشد، بلکه متن بیانات حضرتشان خط به خط مطالعه و مسائل مرتبط با آموزش و پرورش گزینش شد. برای این منظور، مفهوم عام مسائل آموزش و پرورش مدنظر قرار گرفت و در مرحله اول هیچ قید یا تخصیصی لحاظ نشد.

۷- اعتبار سنجی سهم یاریهای ابژه دلالت پژوهی

افکار یا نکات کلیدی رشته یا مآخذ قرض دهنده در جامعه علمی مرتباً مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و سعی شد با استادان و خبرگان اندیشه رهبر معظم انقلاب مشورت شود. طبق مبنای دانایی فرد در مقاله‌اش، اعتبار این مرحله با پذیرش هیئت داوری پژوهش، احراز شده است.

۸- متناسب سازی سهم یاریها با چارچوب مفهومی موضوع دلالت پژوهی

آنچه از درون خود بیانات استخراج، و در مباحث و گفتگوهای علمی، اعتبار آن محرز شد، این بود که از یک سو حضرت امام خامنه‌ای هست‌ها و مفاهیم پایه‌ای حوزه مورد بحث را تبیین، و از سوی دیگر بایدها و نبایدهای این حوزه را مشخص کرده‌اند. بر همین اساس تقسیم‌بندی اولیه‌ای که صورت گرفت، جدا کردن مباحث توصیفی از هنجاری بود.

در مرحله بعد بر اساس متن بیانات، مباحث و گزاره‌های هنجاری به گزاره‌های ناظر به «وضع موجود» و گزاره‌های ناظر به «وضع مطلوب» به دست آمد و گزاره‌های توصیفی نیز به «ارکان نظری» و «ارکان عملی» تقسیم شد.

۹- مشخص کردن دلالت‌های مورد نظر

پس از شکل‌گیری چارچوب مفهومی، دلالت‌های تک‌تک عبارات و گزاره‌ها در نسبت با کلیت چارچوب مفهومی بررسی شد. هنگام اجرای این مرحله با گذشت زمان و مشخص کردن دلالت‌های بیشتر، چارچوب مفهومی اتقان بیشتری یافت و زیرشاخه‌های دقیقتری برای آن ایجاد شد.

ذکر چند نکته در این مرحله ضروری است:

الف - تنوع حوزه مطالعاتی پژوهشگر به غنای دلالت‌ها می‌افزاید.

ب - استادهای پژوهشگر درون متن دلالت‌ها به غنای دلالت‌ها می‌افزاید.

ج - دلالت‌ها ممکن است به صورت گزاره‌ای مختصر یا بندهای مفصل تنظیم شود.

د - دلالت‌ها را می‌توان سطح‌بندی کرد: دلالت‌های کلان، میانه و خرد.

ه- پژوهشگر ممکن است نوعی تصویر یکپارچه در ارائه دلالتها به صورت روایتی ارائه کند. و - هر چه پژوهشگر دلالتها را واضحتر بیان کند، زمینه‌سازی کاربردی آن توسط وی و یا پژوهشگران آینده بیشتر خواهد شد.

ز - در مورد حجم دلالتها نمی‌توان درجه یا میزانی تعیین کرد ولی اگر دلالتها از ویژگی جامعیت و مانعیت برخوردار باشد، دلالتها استحکام بیشتری خواهد داشت.

ح - ممکن است درون متن دلالتها استناداتی انجام نشود؛ در این صورت عقلانیت روایتی دلالتها حائز اهمیت است (دانایی فرد، ۱۳۹۵: ۶۲).

۱۰- اعتبار سنجی دلالتهای مشخص شده

منطق دلالتها از یک سو و استحکام استنادی دلالتها می‌تواند در تعیین اعتبار دلالتها بسیار تعیین‌کننده باشند (دانایی فرد، ۱۳۹۵: ۶۲). در این پژوهش سعی شده است از هر دو ملاک اعتبارسنجی استفاده شود.

۱۱- تدوین گزارش

مرحله آخر روش‌شناسی دلالت‌پژوهی، تدوین گزارش است که در مورد این پژوهش به نگارش این مقاله منجر شد.

الگوی استخراج نظام مسائل آموزش و پرورش

نظام کنونی آموزش و پرورش ما توانایی لازم را برای تربیت نسلهای گوناگون ما نشان نداده است. علت هم در درجه اول این است که این نظام و این تشکیلات، وارداتی است؛ برخاسته از نیازهای درونی ما نیست. ... نیاز ما به تحول از اینجاست. این تحول باید بر اساس ایجاد یک الگوی مستقل ایرانی و برخاسته از معنویات و نیاز این کشور باشد؛ یعنی در واقع برخاسته از اسلام ناب، اسلام مورد اعتقاد ما باشد. ما بایستی یک چنین الگویی به وجود بیاوریم. تحول باید ناظر به این باشد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۰).

همان‌طور که قبلاً بیان شد، مراد از مسئله، وضعیت موجودی است که کاملاً بر وضعیت مطلوب منطبق نباشد. در این وضعیت زمانی سردرگمی بیشتر خواهد شد که اصلاً نقشه و طرحی نباشد. در این‌باره رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: بدون نقشه جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ هم‌چنانکه

در طول این سی سال به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. گاهی یک حرکتی را انجام دادیم، بعد گاهی ضد آن حرکت و متناقض با آن را - هم در زمینه فرهنگ، هم در زمینه اقتصاد و در زمینه‌های گوناگون - انجام دادیم! این به خاطر این است که یک نقشه جامع وجود نداشته است. ... طبعاً همین‌طور که دوستان گفتند، وضعیت مطلوب باید تصویر شود و چگونگی رسیدن از وضع موجود به آن وضع مطلوب هم بایستی بیان شود. یقیناً سؤالات زیادی مطرح خواهد شد؛ ... این سؤالات شناخته شود؛ دانسته شود. این حرکت بایست در مجموعه نخبگانی ما به وجود بیاید. سؤالات مطرح شود؛ به این سؤالات پاسخ داده شود؛ این حرکت طولانی مدت است (امام خامنه‌ای، بیانات در نخستین نشست «اندیشه‌های راهبردی»، ۱۳۸۹).

در توضیح این نکته لازم است اشاره شود که در تحلیل هر حوزه موضوعی یا هر علمی دو نوع مبادی وجود دارد: مبادی توصیفی و مبادی هنجاری. «مبادی توصیفی» علم درباره «هست‌ها و نیست‌ها» و «مبادی هنجاری» علم در مورد «بایدها و نبایدها» علم در مقام «مبادی» و «پیشفرضهای» آن علم بحث خواهد کرد.

وقتی وضع موجود گزاره‌های هنجاری به دست آمده از مبادی هنجاری با وضع مطلوب آن تطابق نداشته باشد یعنی در وضعیتی قرار داریم که با آن وضعیتی که باید تحقق می‌یافته است، هنوز فاصله دارد و می‌گوییم «مسئله» ای وجود دارد. البته عده‌ای از اندیشمندان داخلی و خارجی بسته به اهمیت و میزان این فاصله برای آن مسئله از اصطلاحات متفاوتی مانند سؤال، چالش و بحران استفاده کرده‌اند که فعلاً مطلق «مسئله» مدنظر است.

گزاره‌های برگرفته از مبادی توصیفی با اینکه در شکل‌گیری مسئله دخیل است ولی به دلیل تغییر دادن محل مناقشه و نزاع به‌طور مستقیم در تعیین بایدها و گزاره‌های هنجاری دخالت می‌کند. دو نکته در مورد این گزاره‌ها بسیار حائز اهمیت است: اول اینکه، نسبت بین هست‌ها و بایدها از سؤالاتی نسبتاً مهم فلسفه است و فعلاً مجال پرداختن به این مسئله نیست. اجمالاً این رویکرد انتخاب می‌شود. دوم اینکه دامنه گزاره‌های توصیفی بسیار وسیع است و اصطلاحاً از گزاره‌های بعید تا گزاره‌های نزدیک را در برمی‌گیرد.

بر اساس این نکات، آنچه بدنه اصلی پژوهش را می‌سازد، گزاره‌های هنجاری و به‌طور مشخص، گزاره‌های ناظر به وضع موجود و گزاره‌های ناظر به وضع مطلوب است؛ اما برخی گزاره‌های مهم توصیفی که در فهم بهتر گزاره‌های هنجاری نیز دخیل بوده به اختصار بیان شده

است.

گزاره‌های توصیفی الگوی نظام مسائل آموزش و پرورش

به لحاظ منطقی مناسب است ابتدائاً به نسبت حکومت اسلامی و آموزش و پرورش اشاره شود. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است «و الی الله المصیر»^(۱) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید: «تخلقوا باخلاق الله»^(۲) (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴، مقدمه).

به جرأت می‌توان گفت که بر هیچ‌یک از نخبگان و مجاهدان جبهه انقلاب اسلامی پوشیده نیست که هدف اصلی تشکیل نظام اسلامی تربیت و رشد آحاد جامعه به سوی خداوند متعال بوده است؛ لذا به‌رغم همه فراز و نشیب‌های فراوانی که پیش روی کشورمان در راه رسیدن به تعالی وجود دارد در بلند مدت، هیچ مسئله‌ای هم‌عرض تعلیم و تربیت قرار نمی‌گیرد:

همه این مسائلی که ما داریم بحث می‌کنیم: مسئله عدالت، مسئله امنیت، مسئله رفاه، مسئله عبادت برای این است که فرد انسان سعادتمند شود. ... بنابراین اصل این است. همه چیز مقدمه است؛ جامعه اسلامی هم مقدمه است؛ عدالت هم مقدمه است. اینکه در قرآن کریم هست که «لیقوم الناس بالقسط»^(۳) - که به‌عنوان هدف انبیا ذکر شده - قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است؛ هدف نهایی عبارت است از رستگاری انسان؛ این بایستی مورد توجه باشد (امام خامنه‌ای، بیانات در نخستین نشست «اندیشه‌های راهبردی»، ۱۳۸۹)؛ بدین ترتیب از آنجا که تشکیل حکومت مقدمه هدایت و تربیت انسان است، طبیعی است که تعلیم و تربیت مهمترین وظیفه حکومت اسلامی قلمداد شود: مسئله فرهنگ و تعلیم و تربیت، مسئله اول در نظام ماست. در بلند مدت، هیچ چیز به اندازه تعلیم و تربیت اهمیت ندارد (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیعت معلمان و دانش‌آموزان، ۱۳۶۸).

با توجه به اینکه «تعلیم و تربیت» موضوعی کلی است و همان‌طور که اشاره شد، هدف نهایی حکومت اسلامی به شمار می‌رود، باید گفت که از یک سو همه نهادهای کلان جامعه اسلامی، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه - به‌نوعی عهده‌دار این موضوع اساسی هستند و نظام آموزش و پرورش را

نمی‌توان به یک دستگاه و وزارتخانه محدود کرد. آموزش و پرورش به‌طور عام، همه ساختارهایی را در بر می‌گیرد کارکردی مرتبط با حوزه آموزش و پرورش انسانهای جامعه دارند (قنبری و مظاهری، ۱۳۹۲: ۱۵۳). از سوی دیگر، برخی از نهادها و تشکیلات درونی جامعه اسلامی بیش از دیگران به این موضوع مرتبط می‌شوند که مهمترین آنها «آموزش و پرورش» است: «آموزش و پرورش مهمترین کار یک کشور است... چرا؟ چون همه این کارها به نیروی انسانی احتیاج دارد. نیروی انسانی هم عمدتاً در آموزش و پرورش شکل می‌گیرد و صورت می‌بندد» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان آموزش و پرورش سراسر کشور، ۱۳۸۶).

در جمع‌بندی اهمیت آموزش و پرورش در جامعه اسلامی باید گفت: اولاً انسانسازی، هدف آفرینش، و لذا هدف حکومت است. ثانیاً از آنجاکه نهاد متولی این انسانسازی در کنون انقلاب اسلامی «آموزش و پرورش» است، مهمترین کار کشور است. بر این اساس، گزاره‌های هنجاری مرتبط به «آموزش و پرورش» در دو محور «ارکان نظری» و «ارکان عملی» آن به حداقل ممکن باز می‌شود تا این وظیفه مشخص و ملموس گردد.

از حیث «نظری»^(۴) حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی معتقدند که «آموزش و پرورش» - همان‌طور که علت نامگذاری آن هم بر همین موضوع دلالت می‌کند - فقط تعلیم و آموزش نیست، بلکه تربیت و پرورش را هم شامل می‌شود. «فقط «علم» نیست؛ «تربیت» کنار علم حتماً هست، لذا شما آموزش و پرورشید (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱)؛ بدین ترتیب مهمترین ارکان نظری آموزش پرورش «تعلیم» و «تربیت» است. همان دو وظیفه اصلی و خطیری که پیامبران صلوات الله علیهم اجمعین بر عهده داشتند: «شما می‌بینید در قرآن وظیفه انبیا، تزکیه و تعلیم است... تزکیه یعنی تربیت» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱).

ذکر چند نکته

۱ - تعلیم با تدریس متفاوت است: تعلیم کاری بسیار ظریف و دقیق است. تعلیم باید طوری باشد که ذهن را بسازد؛ مغز را فعال کند و در درجه اول، شوق به دانستن را در دل متعلم ایجاد نماید^(۵) (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱).

۲ - تربیت از بالاترین تعلیمها هم مهمتر است: بعضی‌ها از جلو قرار گرفتن «یزگیهم» در دو آیه قرآن بر «یعلّمهم»، استفاده کرده‌اند که تزکیه از تعلیم هم بالاتر است. می‌تواند این‌طور باشد.

حد اقل این است که تزکیه در کنار تعلیم است: «یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة»^(۶)؛ آن هم تعلیم کتاب و حکمت، نه تعلیم چیزهای پیش پا افتاده (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱).

۳- انسان اسلامی و تربیت شده انسانی است که در هر سه محور اصلی تربیت (عقاید، اخلاق، رفتار) تزکیه شده باشد. انسان مسلمان بایستی در هر سه بعد - هم بعد تربیت، هم بعد دانش، هم بعد عمل - کار کند. البته به یک اعتبار، هر سه اینها عمل است؛ اعتقاد هم نوعی عمل است؛ عمل قلبی است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۰).

از نظر «عملی»^(۷) دلالتی مستقیم از سهم یاریهای در دسترس برای تقسیمات عملی آموزش و پرورش یافت نشد؛ اما با توجه به بیانات و خطابات مختلف حضرت امام خامنه‌ای، چهار محور مهم «اجرایی» یا «عملی» یافت شد که البته از تحلیلی نظام‌مند نیز برخوردار است: (۱) حوزه فردی دانش‌آموز (۲) حوزه کلاس درس با محوریت معلم (۳) حوزه مدرسه با محوریت مدیر و معاونان (۴) حوزه کلان آموزش و پرورش با محوریت وزارت آموزش و پرورش. در این بخش هم برای تأکید بر خطابات مختلف رهبر معظم انقلاب در هر کدام از محورهای چهارگانه شاهد مثالی ذکر می‌شود:

۱- دانش‌آموز و تلاش و کوشش وی: یکی از عناصر اصلی برای عزت هر کشور و تأمین آینده هر کشور، جوانانی هستند که امروز مشغول تحصیلند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۳۷۹). امروز هم دانش‌آموزان دبیرستانی ما... جزو پیشقدمترین گروه‌های اجتماعی ما هستند. در دوران دفاع مقدس هم باز دانش‌آموزان جزو پیشروان و خط مقدم‌ها محسوب می‌شدند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان، ۱۳۸۹).

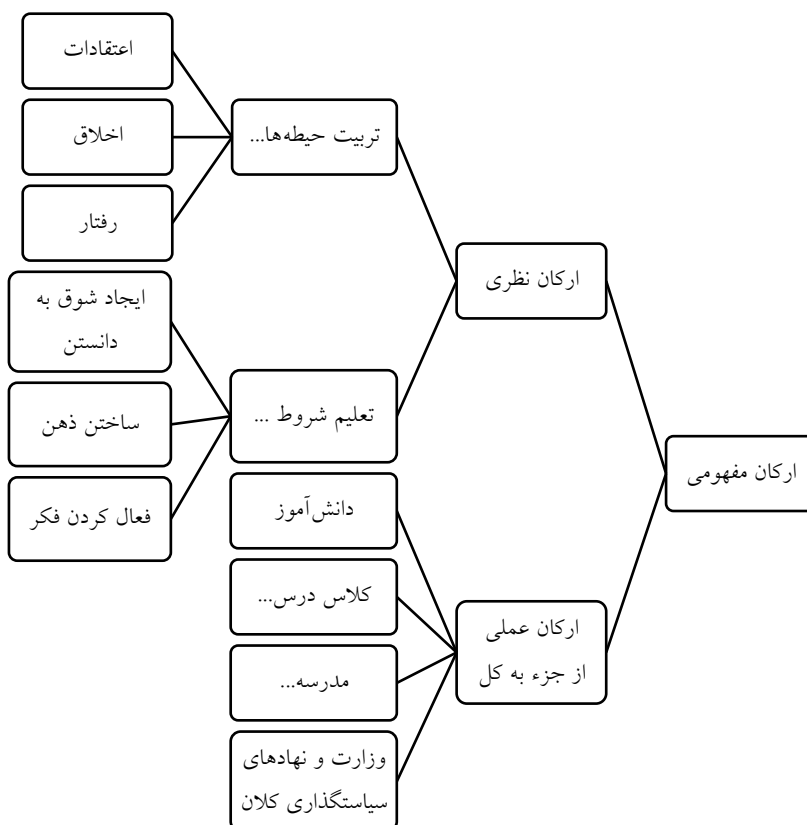
۲- کلاس درس و مدیریت معلم در آن: شما معلم‌ها هستید که دارید این شخصیت‌ها را شکل می‌دهید؛ پرداخت می‌کنید. صرفاً این نیست که در کلاس درس دو کلمه شما بگویید و او یاد بگیرد؛ همه رفتار شما، حرکات شما، منش شما، اخلاق شما به صورت مستقیم در این مخاطب‌گیرا اثر می‌گذارد و او را شکل می‌دهد. ... همه ما ندانسته در همان راهی داریم حرکت می‌کنیم که بخش معظمی از آن را معلمین در نهاد ما قرار داده‌اند؛ این خیلی چیز مهمی است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از فرهنگیان، ۱۳۹۲).

۳ - مدرسه و نقش مدیر و دیگر مسئولان: توجه به مدرسه نشان‌دهنده یک پدیده‌ای است در کشور؛ پیدا است مردم ما و کسانی که توانایی دارند که کمک کنند، اهمیت تعلیم فرزندان را بخوبی درک کرده‌اند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای هیأت مدیره جامعه خیرین مدرسه‌ساز، ۱۳۹۳).

۴ - کلان آموزش و پرورش با محوریت وزارتخانه: آموزش و پرورش یک دستگاه معمولی و عادی در عرض سایر دستگاه‌ها نیست؛ این یک مرکز اساسی و مهمی است؛ حالا می‌توانید آن را به‌عنوان موتور یک قطار، می‌توانید به‌عنوان مرکز ذخیره یک مجموعه تعبیر کنید؛ به هر حال فرق می‌کند با دستگاه‌های اجرایی دیگر. کار عمقی و بنیانی در این وزارتخانه به‌قدری است که در سایر وزارتخانه‌ها نظیر آن را نمی‌شود پیدا کرد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از فرهنگیان، ۱۳۹۲).

جمع‌بندی گزاره‌های توصیفی الگوی نظام مسائل آموزش و پرورش

در جمع‌بندی گزاره‌های توصیفی الگوی نظام مسائل آموزش و پرورش می‌توان گفت که اولاً رهبر معظم انقلاب اسلامی، آموزش و پرورش را از حیث نظری اعم از «تعلیم» و «تربیت» می‌دانند. ثانیاً از نظر عملی و اجرایی به تفکیکی از سطح وزارتخانه تا دانش‌آموز قائل هستند.



نمودار ۱: تلخیص گزاره‌های هنجاری (ارکان مفهومی) الگوی استخراج نظام مسائل بر اساس اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی

در نهایت، آموزش و پرورش را از نگاه ایشان می‌توان در هشت نقطه کانونی - که از ضرب اجزای دو رکن نظری و عملی به دست می‌آید - به بحث گذاشت:

وزارتخانه (مسئولان)	مدرسه (مدیر و معاونان)	کلاس (معلم)	دانش‌آموز (کتاب)
			تربیت
			تعلیم

همان‌طور که ملاحظه شد از یک سو هر کدام از این هشت محور مستقلاً در اندیشه حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی ارزشمند، و به آنها پرداخته شده است. از سوی دیگر با تعاریف خاص و منحصر به فردی که در مورد «تعلیم» و «تربیت» دارند، نوع نگاه در هر هشت محور، غیر از آن چیزی است که امروزه از آموزش و پرورش به ذهن متبادر می‌شود. با توجه به مسئله پژوهش در ادامه، «گزاره‌های هنجاری» الگوی مد نظر بر اساس این «گزاره‌های توصیفی» بحث خواهد شد و تبیین مرزها، رسالتها، اهداف، ویژگیهای هر یک از این هشت محور به پژوهش (های) مستقل دیگری واگذار می‌شود.

گزاره‌های هنجاری الگوی نظام مسائل آموزش و پرورش

نکته قابل ذکر این است که از یک سو ارکان نظری آموزش و پرورش یعنی «تعلیم» و «تربیت» درهم‌تنیدگی و پیوستگی زیادی دارد و از سوی دیگر بروشنی در تمامی چهار سطح یاد شده بحث شده است. بنابراین مبنای تقسیمات گزاره‌های هنجاری، «ارکان عملی» ذکر شده، خواهد بود و ارکان نظری هر سطح بنا بر آنچه در بیانات معظم له آمده است متناسب با همان سطح لحاظ خواهد شد.

همان‌طور که قبلاً بیان شد از جدا کردن وضع موجود از وضع مطلوب از جمله تفکیک‌های مورد پذیرش رهبر معظم انقلاب است. بر همین اساس گزاره‌های توصیفی مدنظر بر همین اساس در دو قسمت «وضع مطلوب» و «وضع موجود» بیان خواهد شد.

وضع مطلوب آموزش و پرورش

در این قسمت «وضعیت مطلوب» آموزش و پرورش بر اساس گزاره‌های هنجاری آن در بیان و بنان رهبر معظم انقلاب بر اساس میزان خرد و کلان بودن آن در سه قسمت مختلف بررسی خواهد شد (۱) چشم‌انداز آموزش و پرورش، (۲) نقشه راه آموزش و پرورش (۳) برنامه‌ریزی راهبردی آموزش و پرورش

فصل اول: چشم‌انداز

باید فلسفه آموزش و پرورش اسلامی، واضح باشد و بر اساس این فلسفه، افق آینده آموزش و

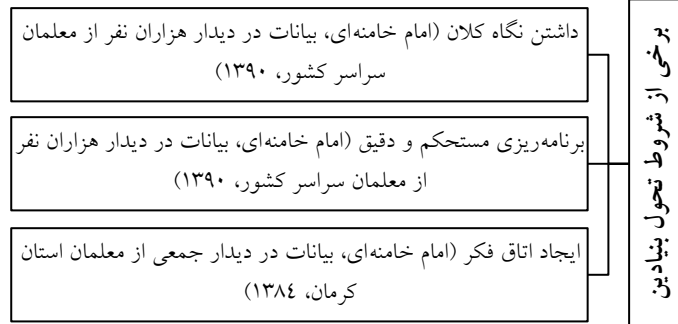
پرورش کشور روشن باشد؛ معلوم باشد ما دنبال چه هستیم و کجا می‌خواهیم برویم و بر اساس آن خط‌کشی بشود؛ برنامه‌ریزی بشود و راه‌ها مشخص بشود؛ ما به این احتیاج داریم... آموزش و پرورش باید از روزمرگی بیرون بیاید؛ این اساس حرف است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان سراسر کشور، ۱۳۸۵). ناگفته پیداست که چشم‌انداز باید متناسب با افقی بلندمدت برنامه‌ریزی شود: اینها کارهایی است که در ظرف یک سال و دو سال انجام نمی‌گیرد. شما هم‌تتان را بگذارید که مثلاً فرض کنید در ظرف پانزده سال این کار انجام بگیرد. پانزده سال زمان زیادی است؛ اما برای این کار، زمان طولانی‌ای نیست؛ می‌ارزد. قاعده کار را شما فراهم بکنید... تا دیگران بیایند بر روی آن، بنا کنند. آن وقت، آموزش و پرورش از روزمرگی خلاص خواهد شد. روزمرگی‌ای که ما گفتیم، این‌جوری می‌شود از آن خلاص شد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان آموزش و پرورش سراسر کشور، ۱۳۸۶)..

فصل دوم: نقشه راه

نقشه راه آموزش و پرورش، یعنی تصمیم‌گیری «درباره مهمترین موضوع انسانی کشور؛ یعنی آموزش و پرورش؛ آن هم درباره یکی از اساسیترین و اصولیترین مطالبی که در زمینه آموزش و پرورش ممکن است مطرح شود؛ یعنی تحول» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان آموزش و پرورش سراسر کشور، ۱۳۸۶). تحول در جوامع انسانی و برای بشر، سنت لایتغیر الهی است... این راز ماندگاری و راز تعالی بشر است. اصلاً خدا بشر را این‌طور قرار داده است که ایستایی در طبیعت انسان نیست... باید به‌سوی تحول به شکل درست حرکت کرد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۳۸۵).

البته شکل درست تحول شرایطی دارد که سه مورد از مهمترین آنها بر اساس اندیشه رهبر معظم

انقلاب عبارت است از:



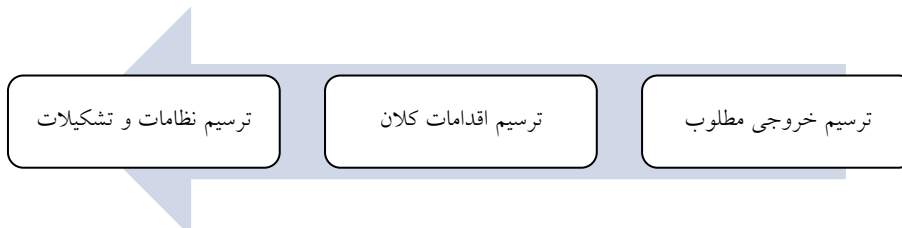
نمودار ۲: برخی از شروط تحول برگرفته از اندیشه حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی

حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی مراحل تدوین نقشه راه را در سه مرحله کلی خلاصه می‌کنند: الف) ترسیم خروجی مطلوب ب) ترسیم اقدامات کلان ج) ترسیم نظامات و تشکیلات

الف - ببینید ما چه می‌خواهیم؟ محصول و خروجی آموزش و پرورش را چه می‌خواهیم باشد؟ اول این را مشخص بکنیم.

ب - بعد ببینیم که برای ساختن یک چنین موجودی، یک چنین مردی، زنی، جوانی، چه کارهای مهم و اساسی، چه تعالیم لازم در خلال چه برنامه آموزشی باید داده شود تا این موجود پرورش پیدا کند.

ج - آن وقت آدمهای کارآمدمان بنشینند آن نظام را تعریف و تدوین کنند و با شجاعت لازم وارد میدان شوند و تشکیلات آموزش و پرورش را بر طبق آن نظام تعریف کنند و تحقق ببخشند؛ این، می‌شود تحول حقیقی و بنیانی.



نمودار ۳: مراحل تدوین نقشه راه برگرفته از اندیشه حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی

الف) ترسیم خروجی مطلوب

مطالبه اول حضرت امام خامنه‌ای در ترسیم نقشه راه آموزش و پرورش، مشخص کردن محصول و خروجی مطلوب و مورد نظر آموزش و پرورش است. در این مورد ایشان به‌طور جزئی ورود پیدا، و برخی از ویژگیهای محصول نهایی آموزش و پرورش را ذکر کرده‌اند: «ما می‌خواهیم آن‌کسی که از آموزش و پرورش خارج می‌شود، بعد از سیزده سال - حالا که پیش‌دستانی هم هست، می‌شود سیزده سال - انسانی باشد با برجستگی‌های اخلاقی، برجستگی‌های فکری و مغزی و با تدبیر؛ یک چنین انسانی می‌خواهیم. از نظر اخلاقی: انسانی باشد شجاع، خوشخو، خیرخواه، خوش‌بین، امیدوار، بلندهمت، مثبت در قضاوتها و سایر خصوصیات اخلاقی‌ای که برای یک انسان مطلوب شما در نظر می‌گیرید. از لحاظ خصوصیات فکری: خلاق، پرسشگر، اهل فکر، اهل نوآوری، مایل به ورود در میدانهای بسیار وسیع نا دانستنی‌های بشر برای کشف دانستنی‌ها و افکندن نور علم به وادی مجهولات و صاحب فکر. از جنبه رفتاری: آدم منضبط، قانون‌شناس (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان آموزش و پرورش سراسر کشور، ۱۳۸۶). (همان‌طور که مشاهده می‌شود سه جنبه بیان رهبر معظمی دقیقاً بر سه محور «تربیت» به‌عنوان یکی از ارکان نظری آموزش و پرورش منطبق است.

ب) ترسیم اقدامات کلان

با توجه به اینکه این مرحله باید پس از تصویب و نهایی شدن مرحله قبل صورت پذیرد، سیاستگذار کلان انقلاب اسلامی، مسئولان را در پاسخگویی به این مرحله راهنمایی می‌کنند و از آنها می‌خواهند که در ترسیم اقدامات کلان نه فقط به چستی اقدامات، بلکه به چرایی و چگونگی انجام آنها نیز پاسخ دهند: تحول یک کلمه است؛ لکن در پشت این وجود لفظی در پشت این کلمه یک دنیا کار نهفته است. اولاً این کارها چیست. ثانیاً با چه هدفی این کارها قرار است انجام بگیرد. ثالثاً چگونه باید این کارها انجام بگیرد. پاسخ به این سه تا سؤال، یک عمر کار است. ما همه اینها را در زیر کلمه تحول قرار می‌دهیم و می‌گوییم تحول (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان آموزش و پرورش سراسر کشور، ۱۳۸۶).

ج) ترسیم نظامات و تشکیلات

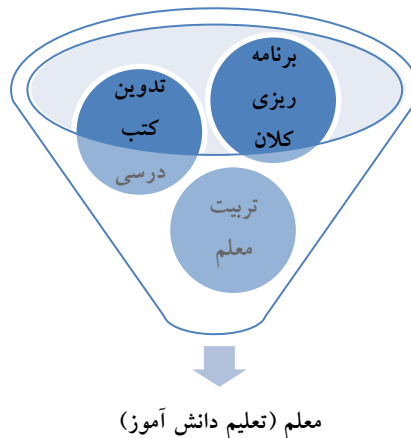
رهبر معظم انقلاب به دلیل خرد شدن و جزئی شدن این مرحله نسبت به شأن و جایگاهی که رهبری امت اسلامی دارد به آن نمی‌پردازند؛ ولی اشاره می‌فرمایند که این کار عظیم، نباید به هیچ

دلیل رها شود و تا رسیدن به نقطه مطلوب با جدیت باید پیگیری شود: این کار را رها نکنید، متوقف نکنید؛ با شوق و همت مضاعف، با انگیزه تمام نشدنی، این کار را تا نهایت دنبال کنید که کار دشواری هم هست (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۰). کار را نباید رها کرد. کار را باید تا رسیدن به نتیجه نهایی دنبال کرد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۱).

فصل سوم: خط‌مشی‌ها

پس از بیان چشم‌انداز و نقشه راه به مرحله آخر یعنی مشخص کردن باید‌ها و نبایدهای کلیدی در وضع مطلوب آموزش و پرورش از نگاه رهبر معظم انقلاب پرداخته می‌شود که تحت عنوان «خط‌مشی‌ها» قرار می‌گیرد.

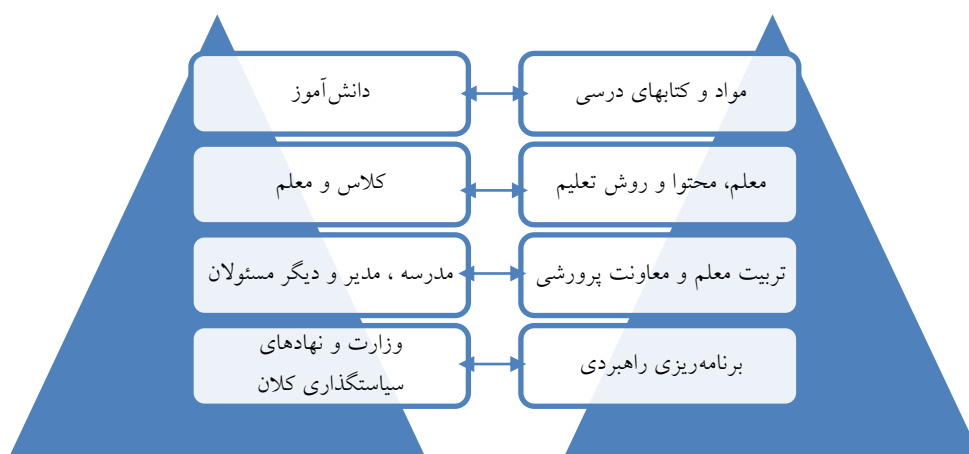
ما امروز در شرایطی نیستیم که به حرف اکتفا کنیم؛ امروز نیاز داریم به عمل. آموزش و پرورش، چه در بخش ستادی، چه در بخش صف - که همین مجموعه معلمان و آموزگاران و دبیران در سراسر کشور هستند - می‌تواند آینده این کشور را رقم بزند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۰). پس با یک نگاه می‌توان خط‌مشی‌های حوزه آموزش و پرورش را به دو بخش «صف» و «ستاد» تقسیم کرد که در این صورت، مهمترین محورهای هر بعد را می‌توان به صورت شکل‌های ترسیم کرد:



همان‌طور که مشهود است در این تقسیم‌بندی، نیروهای صفی آموزش و پرورش معلمان عزیز هستند و مهمترین وظایف ستادی آموزش و پرورش نیز برنامه‌ریزی کلان، تدوین کتابهای درسی و

تربیت معلم است.

بدین ترتیب در فصل خط‌مشی‌ها باید به چهار محور کلی توجه کرد که برای نظم بهتر ذهنی، این چهار محور در چارچوب ارکان عملی تعریف‌شده در بخش اول پیگیری خواهد شد به این صورت که حوزه‌های خط‌مشی‌گذاری در آموزش و پرورش با ارکان عملی این نهاد به صورت ذیل تناظر یک‌به‌یک خواهد داشت:



۱ - کتابهای درسی و ارتباط آن با دانش‌آموز: کتابهای درسی یکی از دو ابزار اصلی آموزش پرورش برای تحقق ارکان نظری آن یعنی «تعلیم» و «تربیت» است و از همین رو چگونگی تدوین و تألیف آنها از اهمیت فراوانی برخوردار است. همان‌طور که در ابتدای فصل بیان شد، تدوین کتابهای درسی یکی از وظایف سه‌گانه «ستادی» آموزش و پرورش است. «مسئله کتابهای درسی هم بسیار مهم است. باید به‌طور مداوم و به تناسب نیازها، مضمون این کتابها، محتوای این کتابها ترقی و پیشرفت داشته باشد. دستگاه‌های هشیار مراقب در کل آموزش و پرورش باید وجود داشته باشد که... در زمینه مواد درسی و کتابهای درسی، نیازها را بسنجد» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از فرهنگیان، ۱۳۹۲).

لازم به ذکر است ایشان به‌طور مصداقی به کتابهای آموزشی قرآن کریم در مدارس، آموزش تفکر یا فلسفه برای کودکان و... و آموزش مهارتهای زندگی به صورت جدی‌تر اشاره فرموده‌اند.

۲ - کلاس درس و نقش محوری معلم و روش تعلیم: پس از بررسی اهمیت و چگونگی تدوین «کتابهای درسی»، نوبت بررسی به ابزار دوم آموزش پرورش برای تحقق «تعلیم» و «تربیت» در نسلهای جواتر یعنی معلمان می‌رسد. البته معلم به‌عنوان نیروی صف آموزش و پرورش با استعداد، اراده و همتی که در راه اسلام عزیز هزینه می‌کنند باید نیروی انسانی آینده کشور عزیز اسلامی‌مان را از نظر کیفی تأمین کنند. «کتاب را معلم درس خواهد داد. اگر معلم، دانا، دلسوز، اهل فکر و اهل ابتکار بود، چنانچه آن کتاب ناقص هم باشد، او مطلب را تکمیل می‌کند. اگر معلم، ناتوان، ناامید، بی‌انگیزه و بی‌حوصله بود و برای از سر واکردن تدریس کرد، آن وقت اگر کتاب خوب هم باشد، معلوم نیست چیز درستی گیر دانش‌آموز بیاید. پس معلم مهم است. محور، معلم است» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۰). «معلم، غیر از هویت شخصی خود، یک هویت معلمی دارد که متعلق به همه کسانی است که می‌توانند از او بیاموزند و فرا بگیرند. معلم، هویت جمعی دارد. ارزش معلم هم به خاطر همین هویت معلمی اوست که ما باید اقرار کنیم که روی این مسئله کم کار کردیم» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷).

- ایشان به برخی از وظایف معلم به‌صورت مصداقی اشاره کرده‌اند؛ از جمله: ساختن شکل روحی دانش‌آموزان، خودباوری و اعتمادبه‌نفس، توجه به آینده کشور، تربیت دانش‌آموز متدین و الگوسازی.

- تربیت را با تعلیم همراه کنیم تا معلم در کلاس، تربیت هم بکند. این حرف بسیار درستی است؛ بنده هم معتقدم که معلم فیزیک، معلم زیست‌شناسی، معلم ریاضی یا هر معلم دیگری، می‌تواند با یک کلمه و تلنگر، آن‌چنان تأثیری روی ذهن دانش‌آموز بگذارد و چنان تربیتی بکند که گاهی با یک کتاب نشود آن تأثیر را گذاشت (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱).

۳ - مدرسه، تربیت معلم و معاونت پرورشی: در این قسمت، که طبق تحلیل ابتدای فصل متناظر با رکن عملی «مدرسه» قرار می‌گیرد، دو بحث عمده مطرح می‌شود:

الف) تربیت معلم و لزوم توجه به آن

معلمان نیاز دارند به:

۱- راهنمایی شدن از جانب متفکران و متخصصان حوزه تعلیم و تربیت (امام خامنه‌ای، بیانات

در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۰).

۲ - پرورش علم، تعهد، تدین و روحیه انقلابی در شخصیت معلم (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱).

۳ - ارتقای سطح تحصیلی معلمان (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از معلمان استان کرمان، ۱۳۸۴).

ب) معاونت پرورشی و ضرورت وجود آن در مدرسه

معاونت پرورشی در مدارس آموزش و پرورش از سالهای آغازین جمهوری اسلامی در این وزارتخانه تأسیس شد. ولی بودن یا نبودن این معاونت در مدارس یکی از بحثهای جدی این وزارتخانه در دوران پس از دفاع مقدس بوده است. برخی از مسئولان با این استدلال که تربیت باید با تعلیم ادغام شود، ادعا می‌کردند که معلم در کلاس درس هم وظیفه تعلیم را بر عهده دارد و هم تربیت و به ایجاد معاونت پرورشی در مدارس نیازی نیست. رهبر معظم انقلاب در مورد معاونت پرورشی به چند مورد مهم اشاره می‌فرمایند:

۱ - ایجاد معاونت پرورشی «از بهترین سنت‌هایی» که پس از انقلاب توسط مرحوم شهید باهنر گذاشته شد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷).

۲ - لزوم وجود معاونت پرورشی در مدرسه علاوه بر وظیفه تربیتی معلم در کلاس (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱؛ امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷).

۳ - تربیت فقط تعمیق «ایمان» نیست، بلکه همه ابعاد آن یعنی «ایمان، اخلاق و رفتار» را در برمی‌گیرد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان سراسر کشور، ۱۳۸۵).

۴ - برنامه‌ریزی راهبردی آموزش و پرورش در شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارتخانه: در این قسمت و به‌عنوان آخرین قسمت به بررسی بایدها و نبایدهای کلان آموزش و پرورش پرداخته می‌شود:

۱ - توکل به خدا و استحکام رابطه قلبی با خداوند متعال^(۸) (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷).

۲ - استفاده از ظرفیتهای همه صاحب‌نظران - مثلاً در شورای عالی انقلاب فرهنگی^(۹) و حوزه‌های علمیه^(۱۰) - برای نتیجه‌ای پخته، سنجیده و حساب‌شده (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان استان

فارس، ۱۳۸۷).

۳ - پرهیز از افتادن در دام بازیهای سیاسی (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱).

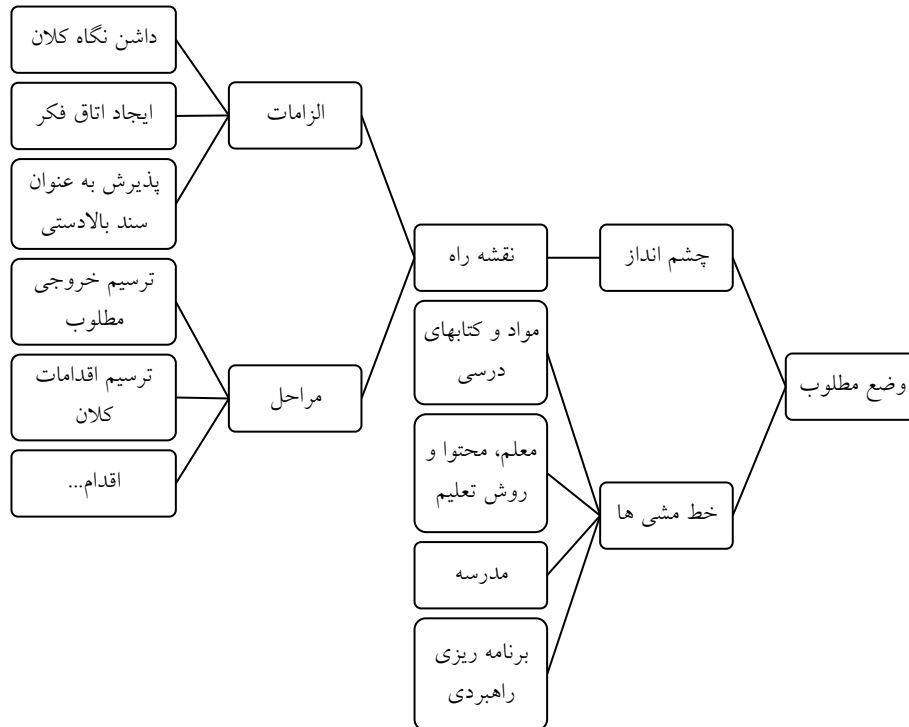
۴ - ترفیع منزلت اجتماعی معلم، هم از لحاظ معیشت و هم از لحاظ معنوی (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از فرهنگیان، ۱۳۹۲).

۵ - تقدم گسترش کیفی آموزش و پرورش بر گسترش کمی آن (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران، ۱۳۸۸).

۶ - غافل نشدن از گسترش کمی؛ هم از نظر تعداد مخاطبان و باسوادان (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷) و هم از نظر تعداد مدارس و امکانات (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۱).

۷ - نگاه عدالت محور در توزیع امکانات تحصیلی در مناطق مختلف جامعه (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان سراسر کشور، ۱۳۸۵).

جمع‌بندی برخی مطالب



نمودار ۴: تلخیص گزاره‌های هنجاری الگوی استخراج نظام مسائل بر اساس اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی، وضعیت مطلوب آموزش و پرورش

وضع موجود آموزش و پرورش

از آنجا که از یک سو موضوع این پژوهش، استخراج الگوی نظام مسائل آموزش و پرورش از نگاه حضرت امام خامنه‌ای است و از سوی دیگر، هم خود ایشان در بیشتر بیانات، نگاه کلان را مطرح می‌کنند و کمتر به مسائل خرد می‌پردازند و هم با جستجویی که صورت گرفت در مورد وضعیت خرد موجود آموزش و پرورش چیزی از معظم له یافت نشد؛ در این بخش فقط به بررسی وضع موجود آموزش و پرورش در سطح کلان پرداخته، بدین منظور وضعیت کلان آموزش و پرورش در دو قسمت سیاستها و ساختار بررسی می‌شود.

الف) سیاستها

جایگاه منحصربه‌فرد آموزش و پرورش به‌عنوان مهمترین متولی تعلیم و تربیت و مهمترین عامل پیش‌برنده فرایند پیشرفت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فناوری برکسی پوشیده نیست. این بخش به این دلیل اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد که هم ابزار مهم پیشرفت است و هم یکی از اهداف آن به شمار می‌رود. به لحاظ همین اهمیت، آموزش و پرورش بتدریج در صحنه ملی و بین‌المللی به بحث اصلی سیاستگذاری تبدیل شده است. با پذیرش فزاینده آموزش و پرورش به‌عنوان عامل راهبردی در بهبود پیشرفت ایرانی - اسلامی، موضوع بررسی و تحلیل سیاستهای آموزش و پرورش کشور از اهمیت بسیاری برخوردار است با اقتباس از (اکبری، گلابگیر نیک و حسینی، ۱۳۹۵).

اکنون وضع موجود سیاستهای این نهاد مهم مرور می‌شود:

سیاست و خط‌مشی کلی آموزش و پرورش ما سلباً و ایجاباً غلط است؛ یعنی از یک طرف با توجه به اینکه سنگ بنای تأسیس این نهاد در دوران پیش از انقلاب اسلامی شکل گرفت: «نظام آموزش و پرورش ما یک نظام تقلیدی و کهنه است؛ دو تا خصوصیت بد در او هست. اولاً از روز اولی که نظام آموزش و پرورش را در دوران سیاه پهلوی و اندکی پیش از آن بر کشور حاکم کردند، نیازها و سنتهای کشور را در نظر نگرفتند. پایه سنتهای کشور باید باشد، از تجربیات دیگران هم باید حداکثر استفاده بشود. نه اینکه ما بیایم الگویی را که در فلان کشور غربی با اقتضانات خودش - با همه خطاهایی که ممکن است داشته باشد - به کار گرفته شده، او را عیناً اینجا بیاوریم. متأسفانه این کار را کردند. تقلیدی محض بود؛ این یک.

دوم اینکه همان هم کهنه است. خود آن کسانی که یک روزی مرجع تقلید مسئولان وابسته کشور ما قرار گرفتند، امروز از این روشها عبور کرده‌اند و روشهای تازه‌تری را آورده‌اند؛ اما ما چسبیده‌ایم به همان روشهای قدیم!» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر (ایجابی) نیز بر فلسفه و برنامه‌های بومی ما منطبق نیست و عیوب اعتقادی و ایمانی، سیاسی و مدیریتی فراوانی دارد: «آموزش و پرورش کنونی کشور ما، ساخته و پرداخته فکر ما و برنامه‌های ما و فلسفه ما نیست؛ این یک امر واضحی است؛ این هم جزء مسلمات است، منتها به آن توجه نمی‌کنیم! از روزی که نظامی به نام نظام آموزش و پرورش در این کشور به وجود آمد - از آغاز کار - بنای کار بر آن فلسفه‌ای نبود که ما امروز دنبال آن فلسفه هستیم. دو عیب بزرگ

وجود داشت: یک عیب از جنبه اعتقادی و ایمانی، یک عیب از جنبه سیاسی و مدیریتی کشور» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان آموزش و پرورش سراسر کشور، ۱۳۸۶).

نکته دیگر حائز اهمیت در این زمینه، سیاستهایی است که در مورد نگاه به معلم و شأن و جایگاه وی انتخاب شده است: «عملاً تسلیم آن فرهنگ و جوی شدیم که برای معلم غیر از جنبه مادی قضیه - یعنی قابلیت ارزش درس به پول - ارزش دیگری قائل نبودند. فرهنگ تمدن مادی این است؛ معیار ارزشگذاری عبارت است از قابلیت تبدیل هر چیزی به پول. معلم هم به همان اندازه‌ای که می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم پولساز باشد در آن فرهنگ به همان اندازه محترم است. ما - مجموعه فرهنگی ملت ایران - تسلیم این فرهنگ غلط شدیم در حالی که در منطق اسلام، مسئله فراتر از این حرفهاست» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷).

ب) ساختارها

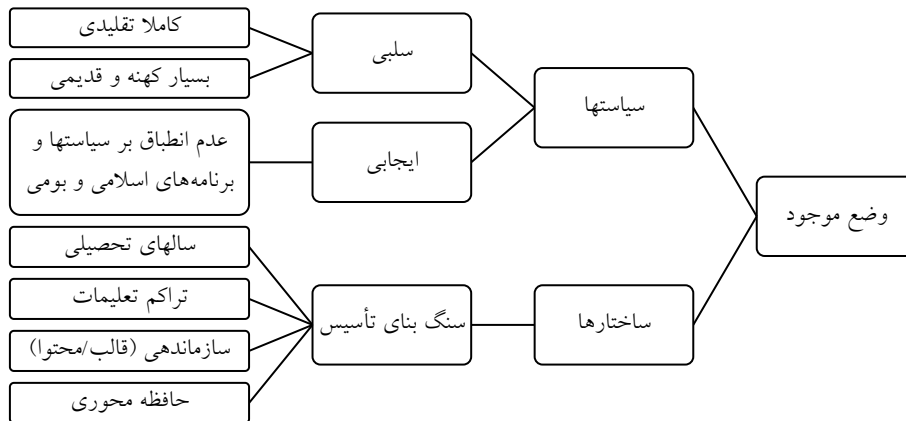
به‌طور کلی می‌توان گفت اشکالات این قسمت از همان اشکالات قسمت «سیاستها» نشأت گرفته و بر این اساس است که تقلیدی و غیر بومی است: «چون نظام کنونی آموزش و پرورش، یک نظام وارداتی است؛ حالا وارداتی‌ای که به یک معنا بومی‌سازی هم شده، اما شاکله، شاکله وارداتی است. نه اینکه ما بخواهیم هرچه وارداتی است، رد کنیم؛ نه، خیلی چیزها را وارد می‌کنید، از آن هم استفاده می‌کنید، خوب هم هست؛ اما آنچه نامطلوب است، تبعیت است. تبعیت بد است؛ ... در قرآن و در آیات متعدد، نتیجه تبعیت، ضلال است؛ «يُضَلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (انعام/۱۱۶) نبایستی تبعیت کرد؛ بایستی نگاه کرد، آنچه را که خوب است، پسندید» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰).

شیوه سازماندهی آموزش و پرورش هم از لحاظ قالب، هم از لحاظ محتوا، تقلیدی محض است:

۱ - در سازماندهی آموزش و پرورش از لحاظ قالب: «آنها گفتند شش کلاس این جور باشد، شش کلاس آن‌جوری باشد، ما همان را آوردیم. بعد، آنها روششان را تغییر دادند، پنج کلاس و سه کلاس و فلان، ما هم این را یاد گرفتیم» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۱).

۲ - در سازماندهی آموزش و پرورش از لحاظ محتوا: «آنها کتاب درسی با درسهای مختلف داشتند، گفتند اینها را تعلیم بدهید، ما هم همین‌طور این تراکم تعلیمات را فرا گرفتیم» (امام

خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۱).



نمودار ۵: تلخیص گزاره‌های هنجاری الگوی استخراج نظام مسائل بر اساس اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی، وضعیت موجود آموزش و پرورش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با دقت در اندیشه‌های مقام معظم رهبری و تحلیل نظام‌مند و روشمند بیانات و آرای ایشان، که در این نوشتار به آن پرداخته شد، این مهم مشخص می‌شود که اصلاح و ارتقای نظام آموزش و پرورش فرایندی است که باید به‌طور جامع و با نگاه کلان به آن نگریست. برای اصلاح آموزش و پرورش باید همه‌جانبه و کل‌نگر بود و از مطالب بنیادین و نظری مثل تبیین فلسفه آموزش و پرورش و مباحث اعتقادی تا مباحث راهبردی و اجرایی مثل تدوین برنامه اقدام، مباحث مربوط به محتوای کتابهای درسی و معیشت معلمان را مدنظر قرارداد. اقدامات جزیره‌ای و سپردن کارها به دست یک نهاد و غفلت دیگر نهادها نه تنها باعث اصلاح و ارتقای آموزش و پرورش نمی‌شود بلکه بعضاً تأثیرات زیانباری را در پیش دارد.

در ادامه برخی از پیشنهادها برای اصلاح و ارتقای نظام آموزش و پرورش جامعه ارائه می‌شود:

۱ - پیشنهادهای عملیاتی برخاسته از متن پژوهش

۱-۱ - آموزش و نظامهای آموزشی

۱-۱-۱ - بازطراحی کتابهای درسی با محوریت آموزش فلسفه و تفکر برای کودکان (ساختن

ذهن)

- ۱-۱-۱- طراحی و تغییر در فرایند آموزشی در سه بعد محتوا، مخاطب و روش
- ۱-۲-۱- پرورش و نظامهای تربیتی
- ۱-۲-۱- تدوین سند جامع پرورشی دانش‌آموزان به گونه‌ای که تمام جنبه‌های اخلاقی، اعتقادی و مهارتی تدوین و معین شود.
- ۱-۲-۲- الگوسازی متناسب با رده‌های سنی در مدارس و ورود آن در محتوای کتابهای درسی
- ۱-۳-۱- معلمان (رکن اصلی، نظام آموزش و پرورش)
- ۱-۳-۱- بررسی سازوکارهای بهبود وضعیت معیشتی معلمان به گونه‌ای که به آسایش و امنیت شغلی آنان منجر شود.
- ۱-۳-۲- ارائه راهکارهای نرم در جهت ارتقای سطح منزلت اجتماعی معلمان
- ۱-۳-۳- ارزیابی عملکرد دانشگاه فرهنگیان در راستای پیشبرد اهداف وجودی آن
- ۲- پیشنهادهایی به منظور تکمیل و عملیاتی‌سازی کامل پژوهش در حوزه اجرا
- ۲-۱- استخراج نظام مسائل موجود آموزش و پرورش با استفاده از این الگوی مفهومی
- ۲-۲- تکمیل نظام مسائل موجود آموزش و پرورش با روش دلفی از نخبگان سیاستگذاری و اجرایی حوزه آموزش و پرورش
- ۲-۳- تدوین نقشه راه پژوهشهای سیاستگذاری آموزش و پرورش به وسیله، طبقه‌بندی و تعیین اولویتها در مطالعات حوزه آموزش و پرورش
- ۲-۴- تدوین برنامه اقدام پژوهشهای سیاستگذاری آموزش و پرورش با سندنویسی و تهیه پیش‌ترجیهای پژوهشی در مسائل اولویت‌دار
- ۳- پیشنهادهایی به منظور گسترش و تدقیق الگوی مفهومی آموزش و پرورش:
- ۳-۱- واکاوی، تدقیق و گسترش مفهومی ارکان نظری
- ۳-۱-۱- بررسی تطبیقی ارکان نظری آموزش و پرورش با شیوه‌ها و رویکردهای تربیتی قرآن کریم
- ۳-۱-۲- بررسی تطبیقی ارکان نظری آموزش و پرورش با شأن نزولها و چگونگی تربیتی

آیات در دوره صدر اسلام

- ۳- ۱- ۳- بررسی تطبیقی ارکان نظری آموزش و پرورش با دستورها و احکام اسلام
 ۳- ۱- ۴- پژوهشهای روایی - حدیثی در حوزه ارکان نظری آموزش و پرورش
 ۳- ۱- ۵- پژوهشهای فلسفی - عرفانی در حوزه ارکان نظری آموزش و پرورش
 ۳- ۱- ۶- بررسیهای تطبیقی الگوی مفهومی آموزش و پرورش با نظر دیگر اندیشمندان اسلامی (حضرت امام خمینی(ره)، امام موسی صدر(ح)، شهید صدر(ره)، شهید بهشتی(ره)، شهید باهنر(ره)، آیت‌الله مصباح یزدی(ح)، آیت‌الله جوادی(ح)، و...)

۳- ۱- ۷- تحلیل و نسبت‌یابی نظریه «ولایت فقیه» و نسبت‌یابی آن با نظام «آموزش و پرورش»

مطلوب

۳- ۱- ۸- تحلیل کامل «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» با محوریت «آموزش و پرورش»

۳- ۱- ۹- مقایسه تطبیقی «سند بنیادین تحول» با الگوی مفهومی مقاله

۳- ۲- پژوهش و تدقیق در نظام مدیریتی آموزش و پرورش (ارکان عملی)

۳- ۲- ۱- شیوه‌های تعلیمی و تربیتی حوزه‌های علمیه و مکتبخانه‌ها در دوره‌ها و حکومت‌های

مختلف

۳- ۲- ۲- بررسی تطبیقی نظام «آموزش و پرورش» در مکاتب مختلف فکری و فلسفی غرب و

شرق

۳- ۲- ۳- مبانی سیاستگذاری مرتبط با «آموزش و پرورش» در حوزه‌های مختلف (علم و

فناوری، تقنین و قضا، اقتصاد و اشتغال، سیاست و اداره کشور، روابط بین‌الملل و...)

۳- ۲- ۴- نقد تجربه تاریخی و عملکرد چهار دهه گذشته نظام مقدس جمهوری اسلامی در

سیاستگذاری و اجرای حوزه «آموزش و پرورش»

۳- ۳- ایجاد زمینه‌های مشارکت نهادهای مرتبط و حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی در ارتباط

با الگوی مفهومی مقاله:

۳- ۳- ۱- حوزه‌های علمیه (همه رشته‌ها)

۳- ۳- ۲- دانشگاه‌ها (بویژه رشته‌های مدیریت سیاستگذاری عمومی، انسانشناسی، علوم تربیتی،

روانشناسی، علوم سیاسی، علوم اقتصادی و...)

۳- ۳- ۳- شورای عالی انقلاب فرهنگی - شورای...

۴-۳-۳- وزارت آموزش و پرورش

۵-۳-۳- کمیسیون آموزش مجلس

۶-۳-۳- مرکز پژوهشهای راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام

۴-۳- پیگیری، مطالبه‌گری و برگزاری کرسیهای آزاداندیشی درباره مسائل اصلی آموزش و

پرورش

۱-۴-۳- در سطح معلمان

۲-۴-۳- در سطح سیاستگذاران

۳-۴-۳- در سطح پژوهشگران

یادداشت

- ۱- سوره مبارکه فاطر، آیه شریفه ۱۸
- ۲- بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۱۲۹
- ۳- سوره مبارکه حدید، آیه شریفه ۲۵
- ۴- ارکانی که مستقل از اراده انسان تعریف می‌شود.
- ۵- این تعریف سه مؤلفه‌ای از تعلیم، بسیار کاربردی و دقیق است. ایشان هر کدام از موارد این مؤلفه‌ها را هم توضیح می‌دهند.
- ۶- سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۶۴
- ۷- ارکانی که قائم به اراده انسانی است.
- ۸- این الزام برای همه افراد و در همه سطوح است و تأکید آن در سطح مسئولان حاکی از اهمیت بالاتر آن برای این افراد است.
- ۹- بیانات در دیدار معلمان استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۲
- ۱۰- بیانات در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور ۱۳۹۰/۲/۱۴

منابع

- اکبری، احمد؛ گلابگیر نیک، سلیمه سادات؛ حسینی، معصومه (۱۳۹۵). سیاست‌گذاری آموزش و پرورش در دوران معاصر. تحقیقات جدید در علوم انسانی.
- امام خامنه‌ای، سید علی. بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای: <http://www.khamenei.ir>
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۹). روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی. قم: کتاب فردا.
- خندان، علی اصغر (۱۳۹۱). طول و عرض علوم انسانی. سوره اندیشه. ش ۶۴ و ۶۵: ۱۶۲ تا ۱۶۶.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۹۵). روش‌شناسی مطالعات دلالت پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا. روش‌شناسی علوم اجتماعی. ش ۸۶: ۳۹ تا ۷۲.

- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۸۸). روش‌شناسی پژوهش‌های کمی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ خانی، علی (۱۳۹۴). فهم اولویت‌های راهبردی تحول نظام آموزش و پرورش از دیدگاه امام خامنه‌ای. مدیریت اسلامی. ش ۹: ۱۰۵ تا ۱۳۶.
- رحمتی، محمد حسین؛ خنیفر، حسین؛ رستمی پور، علی؛ نوید ادهم، مهدی (۱۳۹۱). مبانی تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، مبتنی بر دیدگاه حضرت امام خمینی (ره). مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت. تهران: نورالتقلین.
- فرامرزی قراملکی، احمد (۱۳۸۵). روش‌شناسی مطالعات دینی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴). قم: لاهیجی.
- قنبری، حمیدرضا؛ مظاهری، مهرداد (۱۳۹۲). تبیین تحول نظام آموزش و پرورش در فرایند آنتروپیک فازی. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت. ش ۶: ۱۵۱ تا ۱۷۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). آشنایی با علوم اسلامی. ج ۱. تهران: صدرا.
- منشور فرهنگی انقلاب اسلامی (۱): علم و فناوری. (۱۳۸۹). تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- نوروزی، محمد (۱۳۹۰). طراحی مدل شبکه‌ای مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی انتقال فناوری در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده مدیریت. دانشگاه امام صادق (ع).
- نوید ادهم، مهدی (۱۳۹۱). الزامات مدیریتی تحول بنیادین در آموزش و پرورش. راهبرد فرهنگ. ش ۱۷ و ۱۸: ۲۹۵ - ۳۲۳.

